■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۷۹۷۹ ■ دوشنبه ■ ۲۴ مرداد ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۹ | اذان مغرب ۲۰/۱۳ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۳ | اذان صبح فردا ۴/۵۲ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۴

سخن روز

امام حسین(ع):
کسی که برای جلب رضایت مردم، موجب غضب خدا شود، خداوند او را به مردم وامی‌گذارد.
(بحارالانوار، ج ۷۵ ص ۱۲۶)

امثال من هرچه داریم از مردم است

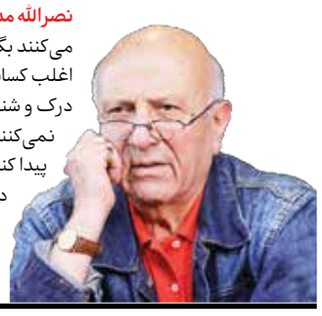

نصرالله مدقالچی: وزارت ارشاد جلوی افراد یا شرکت‌هایی را که به‌صورت زیرزمینی نسبت به دوبله آثار سینمایی، اقدام می‌کنند بگیرد. دوبله‌های زیرزمینی بسیاری از ارزش‌های ملی و فرهنگی ما را نادیده می‌گیرد و زحماتمان را به باد می‌دهد. اغلب کسانی که با این شیوه کار می‌کنند، بی‌سواد و نابلد هستند. متأسفانه اکنون افرادی وارد این فضا شده‌اند که کمترین درک و شناختی از هنر دوبله ندارند. با وجود این، مردم این هنر را دوست دارند، مردم سینما را دوست دارند و آن را رها نمی‌کنند؛ چراکه سینما یکی از تفریحات مهم آنها است. این مردم بودند که باعث شدند دوبله پا بگیرد و در ادامه رونق پیدا کند. ما به خواست مردم و بواسطه تشویق‌های آنها بود که مصمم شدیم در این مسیر گام برداریم. امثال من هرچه داریم، از مردم است. البته بدنه فعلی دوبلورهایی که در واحد دوبلاژ سازمان صداوسیما فعالیت می‌کنند، بدنه خوبی است و به اعتقاد من کارکرد واحد دوبلاژ بسیار عالی است.

بخشی از گفته‌های این دوبلور پیشکسوت در مهر

چیزهایی هست که فقط می‌توانی به یک نفر بگویی، چیزهایی که اگر آن یک نفر نباشد ته دلت می‌پوسد.

شیفتگی‌ها
خابیر ماریاس

نگاره

نیما شاه‌میری

خشکسالی تهدیدی جدی است

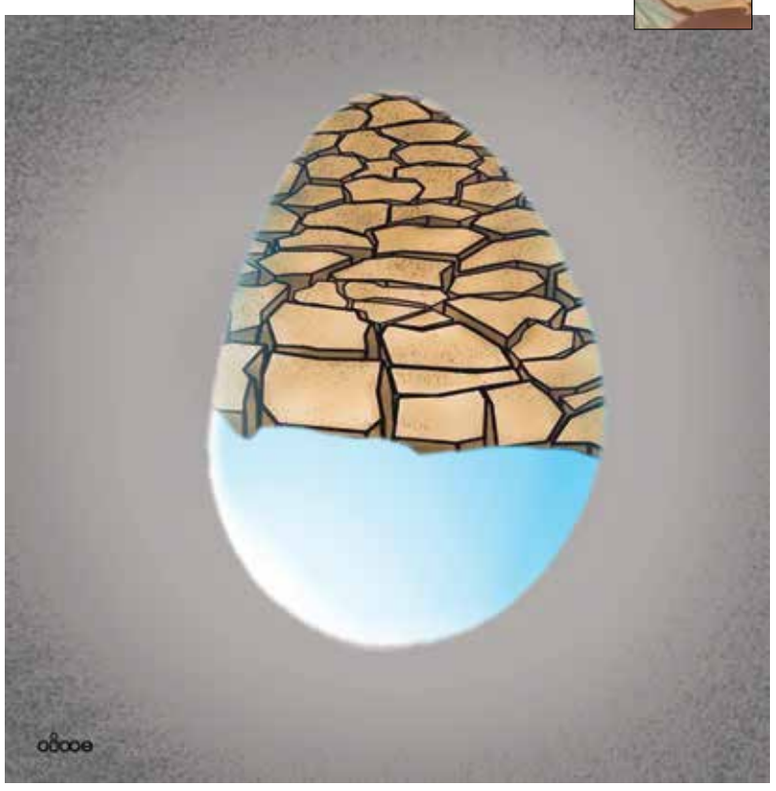

اگر تعزیه دچار گسست نمی‌شد

پنجره‌ای روبه دیوار

رضا آشفته
منتقد تئاتر

اگر تعزیه روال عادی و هموار شده‌ای را طی کرده بود امروز در جهان به‌عنوان یک گونه مستقل نمایشی شناخته می‌شد؛ درست همان‌طور که بونراکو و کابوکی و اپرای پکن و کاتاکالی از چنین جایگاهی برخوردارند. به قول بهرام بیضایی، اگر تعزیه امروز ضمن استقرار یک جایگاه قرص و محکم در جریان تئاتر ملی از شکل و صبغه معاصر نیز برخوردار می‌شد آن‌وقت فقط در همان شکل کلاسیک خود باقی نمی‌ماند، هر چند که او با شکل دستکاری شده کلاسیک تعزیه هم چندان موافق نیست. اینکه سرتاپای اشقیا سرخ پوشانده شود و سرتاپای اولیا سبز پوشانده شود چندان سنخیتی با آن رنگ‌بندی مد نظر تعزیه گردانان عصر قاجاری که شمایی از رنگ سرخ و سبز را در کنار دیگر رنگ ها برای نمایاندن اشقیا و اولیا در نظر می‌گرفتند، ندارد. مواردی از این دست را نمی‌توان نوآوری و مدرن‌سازی در تعزیه به شمار آورد. این نویسنده و پژوهشگر شناخته شده تئاتر معتقد است در همان دوره شکوه و جلال تعزیه در تکیه دولت، افزون بر نسخه‌های مرتبط با تعزیه و سوگواری امام حسین آنچه در تعزیه اجرا می‌شده، نشانگر نگاه متفاوت و نوگرایانه بوده است. در همین رابطه مجلس‌های کشته شدن ناصرالدین شاه، موسی و شبان و حتی قتل امیرکبیر دلالت بر چنین منظر نویی می‌کرده. از سوی دیگر در دوره یاد شده نسخه نویسان و اجراگران که بر نظم و شعر آگاهی و تسلط داشته‌اند هم می‌توانستند به تعزیه کشفیاتی نوتر اضافه کنند و آن را از این حالت کلاسیک و کهن بیرون بیاورند . در این بین دولت پهلوی اول از دو منظر قشریون و روشنفکران با جریان حقیقی تعزیه به مخالفت پرداخت اما از آنجا که این هنر بنابر تاریخ ریشه دارش در همه جا حضور داشت، در روستاها و نقاط دورافتاده به حیات و تداوم راه خود ادامه می‌داد، البته در جامعه فقیر روستایی نمی‌توانست همچنان بر آن شکوه و جلال و حتی نوآوری بایسته و شایسته و درخور دوران تکیه دولت تأکید بورزد و این خود دلیلی شد برای ایجاد یک بیراهه که تکرار آن شکوه و جلال را برای تعزیه ناممکن ساخت، هر چند در دوران پهلوی دوم، بنابر ضرورت جشن هنر شیراز دوباره سعی کردند تعزیه را احیا کنند اما بنابر نوآوری‌های غیر معمول و برنیامده از خود تعزیه و به جای آنکه کمک حال ذات تعزیه شوند آن را به بیراهه کشاندند و تأثیر سوئی بر آن به جای گذاشتند.

بنابراین مسائل یاد شده مسبب آن است که تعزیه نه آن شکل کلاسیک را نگه داشته و نه این نگاه نوین و شکل امروزی‌تر را برایمان به ارمغان آورده است! بلکه آن را دچار یک شکل نسبتاً الکن کرده است. در این بین می‌توان به اتکای برخی راهکارها، اصل و ریشه تعزیه را به آن برگرداند و از سوی دیگر این امکان را ایجاد کرد که اهالی خود تعزیه شکل راستین آن را در مسیر نوآورانه قرار دهند. در این شرایط می‌توان شاهد یک شکل گسترده برای اجراهای امروزی تر، آن هم با محتوای اجتماعی باشیم و این گونه قرابتی بین تعزیه و زمانه اکنون برقرار کنیم. این شکل فقط منحصر به مراسم و سوگواری مذهبی نیست و در دل آن می‌توان مسائل امروزی و اجتماعی را حتی با نگاهی عینی و زمینی مطرح سازیم، البته تحقق این مسأله در شرایطی است که خود اهالی تعزیه کار را به دست بگیرند و اهالی تئاتر دخالتی نکنند.

به هر تقدیر، تمام دنیا ضمن بالیدن به داشته‌های فرهنگی خود هم در نگهداری اصل و اساس آن می‌کوشند و هم در استقرار و برداشت‌های روزآمد آن خلاقیت‌هایی پیش روی دارند. این در حالی است که ما با وجود برخورداری از ده‌ها شکل و شیوه نمایشی و آیین‌های کهن که درخور روزگار ماست، همه را فراموش کرده یا هرازگاهی و با کژراهه به سراشیبی تحمیل شده بر این هنرها می‌نگریم. گاهی نیز از سر تعقل و شعور به این بر باد داده‌ها حسرت می‌خوریم. در نهایت بدانیم که جایی برای حسرت خوردن نیست، باید آگاهانه بر تعزیه و اجرای راستین آن تأکید کرد و امکان رشد و پیشرفت دوباره‌ای نیز پس از این گسست یک سده‌ای برایش در نظر گرفت!

درباره بیتی از یک غزل عاشورایی حسین منزوی

حد تو رثا نیست، عزای تو حماسه است

نکته

پیمان طالبی
شاعر

چند روز پیش در فضای مجازی بیتی از یک غزل عاشورایی اثر زنده‌یاد حسین منزوی را به اشتراک گذاشتم. آن بیت این بود: «حد تو رثا نیست، عزای تو حماسه است /ای کاسته شأن تو از این معرکه‌گیران!» این بیت را منزوی خطاب به امام حسین(ع) سروده بود. از مخاطبان صفحه‌ام پرسیدم به نظر شما منظور شاعر از «معرکه‌گیران» در مصرع دوم چیست؟ هرکسی چیزی گفت که بیشترین پاسخی که دریافت کردم: «مداحان و مرثیه‌خوانان» بود. یک: در بین پاسخ‌هایی که دریافت کردم، بعضی‌ها منظور از معرکه‌گیران را کسانی می‌دانستند که برای مرثیه‌خوانی دستمزد دریافت می‌کنند. باید گفت که این نگاه به کل اشتباه است. برای دریافت معنای یک بیت باید به روابط کلمات با هم، ارتباط بین دو مصرع و آرایه‌های بیت توجه کرد، نه اینکه اندیشه‌ای را که آن بیت از آن به دست می‌آید، به‌عنوان مفهوم آن بیت به آن الصاق کنیم. در بیت فوق هیچ‌گونه تعبیری وجود ندارد که دال بر «دستمزد و پول» باشد، با این حساب این فرضیه کاملاً غلط است. بهتر است به این بیت دقیق‌تر نگاه کنیم. در مصرع اول منظور از رثا، همان مرثیه و مرثیه‌سرایی است. وقتی می‌گوییم حد تو «الف» نیست و «ب» است، یعنی اولاً «الف» از «ب» پایین‌تر و کم‌ارزش‌تر است و ثانیاً در شأن تو «ب» است، نه «الف»! مثالی می‌زنم: حد من معلمی یک دبیرستان نیست بلکه مدیریت آنجاست. در این جمله معلمی کاری کم‌ارزش برای من شده و همچنین مدیریت بالاتر و ارزشمندتر از معلمی دانسته شده است. حال بار دیگر به مصرع اول نگاه می‌کنیم. منزوی می‌گوید: مرثیه و مرثیه‌خوانی (رثا) در شأن امام حسین(ع) نیست، علاوه‌بر این جایگاه حماسه در ماجرای عاشورا از مرثیه و رثا به‌مراتب بالاتر است. این درحالی است که در این لحظه که این یادداشت را می‌نویسم، روایت یا حدیثی را به خاطر نمی‌آورم که از حماسه و حماسه‌سرایی در ماجرای عاشورا گفته و به آن دعوت کرده باشد، اما تا دل‌تان بخواهد از معصوم(ع) روایت هست که در موضوع امام حسین(ع) و عاشورا، بگرید و بگرانید. خب! این گریاندن با چه چیز حاصل می‌شود؟ با مرثیه و مرثیه‌سرایی!

حال برویم سراغ مصرع دوم. معنای بیت به نثر روان یک چنین چیزی می‌شود: «ای کسی که شأن و منزلت تو به‌وسیله این معرکه‌گیران کم شده است!» اولاً که شأن اهل‌بیت(ع) را کسی نمی‌تواند کم کند حتی دشمنان‌شان. حال چطور دوستداران اهل‌بیت(ع) می‌توانند شأن آنها را کم کنند؛ خدا عالم است. مهم‌تر از این، آنکه با توجه به واژه «رثا» در مصرع اول و ارتباط بین دو مصرع، بدون‌شک منظور از کسی که معرکه‌گیری می‌کند، کسی است که مرثیه‌خوانی می‌کند! دقت کنید منظور کسی نیست که برای روضه و مرثیه‌خوانی دستمزد می‌گیرد و... بلکه صرفاً با درنظر گرفتن مصرع اول، منظور فقط کسی است که در واقعه عاشورا «مرثیه‌خوانی» می‌کند و «حماسه‌خوانی» نمی‌کند! امسال در پوستر هیأتی دیدم که از این مصرع به‌عنوان تابلو و نشانه هیأت استفاده شده است. این بیت بدون‌شک توهین به «مرثیه و مرثیه‌خوانی» است. یا آن کسی که این بیت را انتخاب کرده اصلاً نفهمیده که مفهوم آن چیست یا هیأت او قرار است به مرثیه‌خوانی اهل‌بیت(ع) نپردازد که در این حالت با آنچه اهل‌بیت(ع) از مجالس عزایشان انتظار دارند، فرسنگ‌ها فاصله دارد! آنچه اهل بیت(ع) از مجالس انتظار دارند در درجه اول عزاداری، مرثیه‌خوانی و اشک در این ماتم است و در درجه دوم پند و پیام و حماسه و... این را با مطالعه حداقل ۵ هزار حدیث در باب عزاداری عرض می‌کنم.

کوبش‌های قلندرمآبانه به روایت «توت آغاجی»

پیشنهاد

رضا مهدوی
موسیقی پژوه و نوازنده سنتور

وحید اسداللهی و برادرش رحمان اسداللهی از چهره‌های نامدار و شناخته شده موسیقی در بین ترک و آذری و فارسی‌زبان‌های جهان هستند. درواقع به‌واسطه دانش و تجربیات ارزنده موسیقایی از ردیف و موغام و ریتم‌های نهفته در آیین و ادبیات سرزمین‌های آذربایجان، شهرت این دو برادر فراگیر در خلق ملودی و ریتم با تمپوهای محیرالعقول با پنجه‌های توانا شده که هماره فارس و ترک و تمامی اقوام ایرانی را دراین فلات متحیر و مشتاق می‌کند. وحید اسداللهی دارای مدرک درجه یک خبرگان هنری نوازندگی، همترازی با درجه تحصیلی دکتری در نوازش ریتم استاد بلامنازعی است و گویی تمام وجودش در خلق لحظه فوران تولید دارد و به عبارتی در کلیت این فرهنگ موسیقایی سبک و دیدگاهی اختصاصی دارد. اصوات پرتکنیک و در عین حال سرشار از لطافت در توسعه فرهنگ شنیداری کلیت موسیقی ایران را می‌شناساند.

گویی شاعر در وصف او سروده: خدایا مطربان را انگبین ده / برای ضرب دستی آهنین ده.مجموعه «توت آغاجی» به معنی «درخت توت» یکی دیگر از شیرین‌کاری‌ها و کوبش‌های قلندرمآبانه وحید اسداللهی است که به‌خوبی توانسته گوش‌های خسته از موسیقی‌های ضعیف به دنبال هویت در فرهنگ ناخواسته و ناصواب فضاهای رسانه‌ای را جذب خود کند و تبیین و متوجه بسازد که اصالت‌ها هیچگاه خاموش نمی‌شوند. به گفته فروغ «آیین چراغ خاموشی نیست».

کوبش‌های پرحرارت و تفت دیده آهنین درعین حال لطیف و گوش‌نوازانه همچو پرنیان که برخاسته از درون رئوفش است، توانسته فرهنگ شنیداری خاصی را بین علاقه‌مندان به موسیقی آذری فراهم‌سازی کند. فرزندان بااستعداد و هنرمند او مراد و رضا، توانمندانه در این آلبوم سازهای گارمون و کوبه‌ای را در کنار پیانوی آنار عباس‌اُف و کمانچه و ویولن سلیم عباس‌اُف به‌خوبی به رخ می‌کشند و در آنسامبل بی‌کلام و با مهارت در نوازندگی خود، گویی اذعان می‌دارند فرزندان خلف پدر از دیار مصفای اردبیل برخاسته‌اند. وحید اسداللهی در آلبوم‌های «ائلین»، «اُوزون دَرَه»، «ریما»، «نغمه‌های آذربایجان» و دیگر آثار و حتی اجراهای صحنه‌ای با تمام احساس و قدرت حرف دل را می‌زند و می‌نوازد و این تمایز فعالیت‌های کاری اوست نسبت به دیگر همکارانش. «رامیز قلی‌اف» نوازنده شهیر تار در جمهوری آذربایجان - باکو، لذت و آرامش هنگام نواختن در کنار او را بارها بیان کرده...

قطعاتی که در آلبوم «توت آغاجی» می‌شنوید، عبارتند از: «اویون هاواسی»، از «خانلارجعفراف»، «کماله» و «باسکالی» از آفتاندیل اسرافیل‌اف، «خیال لار»، از خانلار جعفراف، «آیریلیق» از علی سلیمی و قطعات محلی (فولکلور)، «توت آغاجی»، «ژالاخو»، «خالا باجی»، اوزون دره و «کوچه لره».سرزمین آذربایجان مملو از ریتم و حماسه و عاشقانه‌ها است که از گذشته‌های دور وجه تمایزی با دیگر نغمه‌های موسیقایی اقوام ایرانی را شاخص‌گذاری کرده و در سور و سوگ حرف‌هایی از سر همدردی و حس قوی قوم و ایلیاتی در جوامع شهری و روستایی به میان آورده است. ملودی‌های این آلبوم نیز داستان دارند و سابقه از حکمت و اندرز و فلسفه چگونه زیستن.

موسیقی آذربایجانات حرف‌ها و حدیث‌هایی دارد که باید به یادگار برای تمامی نسل‌ها بماند و این موسیقی عمیق است و لازم است مجریانش در هنرستان‌های موسیقی سرفصل درسی برایشان طراحی شود.

■ **توت آغاجی**
■ **تنظیم‌کننده و نوازنده سازهای ناغارا و قاوال (دایره): وحید اسداللهی**
■ **ناشر: دنگ دنگ کوبان، سال: ۱۴۰۱**

به یاد کریستف بالایی، ادیب و محقق ایران دوست

کلمه

ترانه وفایی
نویسنده ومترجم

افسوس؛ یک هفته‌ای می‌شود که رفته است. با این چهره و با این کلاه آشنا بودم. با او هم صحبتی بسیار داشته‌ام. در کلاس درس از او آموخته‌ام. کریستف بالایی، شرق شناس فرانسوی، مترجم و پژوهشگر ادبیات فارسی و دارای دکترای ادبیات فرانسه و دکترای دولتی (عالی) با تخصص در ادبیات فارسی وادبیات تطبیقی است. استاد بالایی بعد از انقلاب ایران، به کشورمان آمد و به مطالعه در ادبیات ایران پرداخت. بعدها رئیس انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران (IFRI) شد. وی به زبان فارسی تسلط بسیاری داشت و زندگی حرفه‌ای او با ادبیات فارسی پیش می‌رفت. هرچند تنها به ادبیات کهن اکتفا نکرد و ویژگی‌اش در این بود که در حوزه ادبیات معاصر ایران هم به ترجمه و پژوهش اهتمام ورزید. قصد من این نیست که شرح حالی از او بدهم و بگویم تاریخ تولدش ۱۹۴۹ است یا اینکه در ۳۱ جولای ۲۰۲۲ برابر نهم مرداد ۱۴۰۱، متأسفانه در اثر بیماری در فرانسه درگذشته است، یا حتی دنبال آن نیستم که فهرست آثارش را در این‌جا ارائه دهم. برای همه اینها جست‌وجوی گوگل جوابگوست. قصد من این است که بگویم ادبیات ما یکی از پرتوان‌ترین پشتیبان‌هایش را در بیرون مرزهایش از دست داد.شاگردانش مشوقی را از دست داده‌اند که خود تلاشی بی‌نظیر در این راستا کرده بود و آنها را تا دنیای ادبیات فارسی و ایران زمین می‌برد تا مانند او کشف کنند.درست است که آثارش ارزشمند هستند و او را ماندگار می‌کنند، اما او همیشه حرکت می‌کرد و حاصلش را به گنجینه ادبی می‌افزود. به ایران آمدن‌ها و اقامت‌های طولانی و همنشینی‌هایش با اهل ادب ایران، او را در زمینه فعالیتش برجسته‌تر می‌کرد. کسی که به جایگاه جهانی شدن ادبیات فارسی، حتی در نثر داستانی‌اش پی برده بود. به روشنی می‌دانست که اگر ادبیات فارسی در خارج از ایران بیشتر شناخته می‌شد، در درجات بالاتری قرار می‌گرفت و جوایز بزرگی چون گنکور یا حتی نوبل ادبیات به کسانی چون دولت‌آبادی تعلق می‌گرفت. او با این نگرش و با تدریس ادبیات ایران در دانشگاه، شاگردانش را برای ترجمه ادبیات ایران آماده می‌ساخت.به ایران آمدن‌ها و اقامت‌های طولانی و همنشینی‌هایش با اهل ادب ایران، او را در زمینه خودش برجسته‌تر می‌کرد و باعث می‌شد کسی از ادبیات ایرانی که نفس دیگر کشیده است نیز در این زمان حرفی بزند . من متأثرم که امان نیافت و نیافتم تا ترجمه‌ای از یکی از آثارم را پیرو صحبت‌مان در این فهرست جای دهیم... بیمار شد. رفت!من به‌عنوان شاگردش در دانشگاه (در فرانسه)، خاطرات بسیاری از او دارم. تلخ و شیرین. از همه رنگ. لحظه‌هایی که او را به نزد شفیعی کدکنی بزرگ بردم، تا زمانی که به او پیشنهاد دیدار سیروس طاهباز را دادم تا بیشتر به دنیای نیما وارد شویم و آماده ورود به نگارش تز دانشگاهی! و چه تجارب نابی که در ادامه به دست نیامد...

افسوس بسیار که دیگر صدای کریستف بالایی از فرانسه به گوش نمی‌رسد که پای تلفن بگوید، «زمان نمایشگاه است و من تا یک هفته دیگر تهران هستم!» ...

هنرمندان در فضای مجازی

تازه‌های بازار نشر، آخرین خبرها از فیلم‌های روی پرده اکران و برنامه‌های تازه آن و آنچه را در دنیای موسیقی می‌گذرد می‌توان در رصد فعالیت اهالی این حوزه در فضای مجازی دید. آنچه می‌خوانید بخش‌هایی از این اخبار است.

■ **چهره‌ها**

ماهور الوند از حضور ویشکا آسایش در سریال «بی‌گناه» خبر داده است. «بی‌گناه» از تولیدات تازه یکی از پلتفرم‌های نمایشی به کارگردانی مهران احمدی است و تهیه‌کنندگی آن را مصطفی کیایی بر عهده دارد که پیش از این ساخت سریال پرطرفدار «هم‌گناه» را در این فضا تجربه کرده است. در «بی‌گناه» با سرپرستی نویسندگی محسن کیایی، مهرانه مهین‌ترابی، مسعود رایگان، شبنم مقدمی، محسن کیایی و... حضور دارند.

نیکی مظفری با انتشار تصویری از خودش و حمید نعمت‌الله از گذراندن دوره کارگردانی زیر نظر این فیلمساز خبر داده و نوشته: «این روزها ... دوره کارگردانی فیلم، در خانه هنر کاج، لذت یادگیری و آموختن از شما. جناب آقای «حمید نعمت‌الله» عزیز بی‌شک شما از افتخارات سینمای ایران هستید.»

آیدا پناهنده که این روزها فیلم «تی‌تی» را روی پرده سینما دارد ضمن رونمایی از پوستر بین‌المللی این فیلم در صفحه اینستاگرامش با این عبارات رضایت خود را از طراحی این پوستر اعلام کرده است: «چقدر حس این پوستر، حال و هوای فیلم را درست منتقل می‌کند. همه آنچه در «تی تی» هست، عصاره‌اش در این یک قاب پیدا می‌شود و البته چونان مسکنی، آرام‌کننده من در روزهای دشواری که گذشت. ممنونم از گرافیست هنرمند و دوست‌داشتنی و سینماشناس و درونگرا، محمدحسین هوشمندی نازنین. خدا حفظت کنه جوون.»

نوید پورفرج، بازیگر فیلم «زالاوا» از برگزاری جلسه گفت‌وگو و تحلیل این فیلم با همراهی فیلمساز آن ارسلان امیری خبر داده است. روز دوشنبه باشگاه فیلم کلوزآپ، فیلم سینمایی «زالاوا» را با حضور ارسلان امیری و نوید پورفرج نمایش می‌دهد.
این باشگاه در پردیس سینمایی صبامال با نمایش فیلم‌های ایرانی و خارجی و حضور کارشناسان سینمایی و عوامل آثار ایرانی در پی این است که تجربیات تخصصی این عزیزان را به نسل‌های جوان منتقل کند. میزبان و تحلیلگر ثابت این برنامه‌ها بهنام شریفی است.

النازشاکردوست هم از آغاز شمارش معکوس برای اکران فیلم سینمایی «ابلق» ساخته نرگس آبیار نوشته است. «ابلق» از فیلم‌های تحسین شده سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر است و بهرام رادان، هوتن شکیبا، فاطمه کریمیان، مهران احمدی و گیتی معینی از بازیگران آن هستند.

فرزاد مؤتمن به بهانه سالگرد تولد ویم وندرس ۱۰ عکس از فیلم «پاریس / تگزاس» (۱۹۸۴) این فیلمساز را بازنشر کرده است.

سمیرا حسن‌پور، بازیگر سینما که در این روزها در سریال «جیران» حسن فتحی ایفای نقش می‌کند با انتشار پستی تولد همسرش سامان سالور کارگردان سینما را تبریک گفته است: «مرد صبور و مهربان و خلاق و پرتلاش، تولدت مبارک. با امید و آرزوی روزهای خیلی خوب که همیشه از آن، بزودی، یاد می‌کنی.»

داریوش مؤدبیان از کتاب‌های پنج ماه اخیرش در انتشارات گویا نوشته است. تک پرده‌ای‌های چخوف، دفتر بیست و ششم و بیست و هفتم و بیست و هشتم طنزآوران جهان نمایش و میخائیل بولگاکف: یادداشت‌های یک آدم مرده از جمله آثاری است که طبق نوشته او منتشر شده است.

■ **دیگه چه خبر**

آن طور که بهاره کیان‌افشار اعلام کرده قرار است فیلم «رؤیای سهراب» بالاخره بعد از سه سال به اکران در بیاید. او در این باره نوشته است: «رؤیای سهراب» برداشتی زیبا از عاشقانه‌های زندگی سهراب سپهری شاعر و نقاش معاصر و محبوبم. قراره بزودی این فیلم در سینماها نمایش داده بشه و من خیلی خوشحالم. به تمامی عوامل شریف و نازنین این اثر مخصوصاً آقای علی قوی‌تن عزیز تبریک و خسته نباشید می‌گم... به امید اکرانی موفق». در «رؤیای سهراب» به کارگردانی علی قوی‌تن علاوه‌بر بهاره کیان‌افشار، علی قوی‌تن، ترلان پروانه، لاله اسکندری، مهدی سلطانی، ابوالفضل میری، مینا جعفرزاده، حسین محمدیان و... حضور دارند.

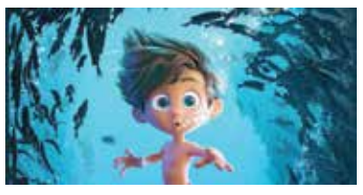

«پسر دلفینی» پس از اکران موفق در روسیه قرار است از دوم شهریورماه در ایران اکران شود. بهزاد عبدی، آهنگساز با انتشار اولین تیزر فارسی این انیمیشن این خبر را منتشر کرده است. پسر دلفینی یک انیمیشن سینمایی تولید سال ۱۳۹۹ محصول شرکت اسکای فریم به کارگردانی و نویسندگی محمد خیراندیش و تهیه‌کنندگی محمدامین همدانی است.

صفحه آکادمی علم از برگزاری کارگاه آموزشی دستور زبان فارسی به‌صورت آنلاین و آفلاین (با امکان تماشای جلسات ضبط شده در ساعت و زمان دلخواه) با اینترنت نیم‌بها در سامانه این آکادمی ویژه دانش‌آموزان، دانشجویان، دبیران، شاعران، ترانه سرایان و علاقه‌مندان به زبان و ادبیات فارسی با حضور علیرضا بدیع شاعر و ترانه‌سرا خبر داده است. این جلسات از جمعه ۴ شهریورماه روزهای جمعه از ساعت ۱۷ تا ۱۸:۳۰ برگزار می‌شود.

عکس نوشت

مرکز امور قرآنی سازمان اوقاف و امور خیریه، اسامی گروه‌های مدیحه‌سرایی تأیید شده برای حضور در مرحله استانی چهل و پنجمین دوره مسابقات سراسری قرآن کریم را اعلام کرد. این مسابقات تا پایان شهریور در تمامی استان‌های کشور در قالب ضبط تصویری آثار انجام می‌شود. /ایرنا